

غزل شماره ۲۱۳

کوهرِ مخزنِ اسرار همان است که بود
تُقهٔ مهربدان مُرو نشان است که بود

عاشقان زمرهٔ اربابِ امانت باشند
لاجرم چشمِ کهربار همان است که بود

از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح
بوی زلفِ تو همان مونسِ جان است که بود

طالبِ لعل و کمر نیست و گرنه خورشید
هم چنان در عملِ معدن و کان است که بود

کشته غمزه خود را به زیارت دریا
زانکه بچاره همان دل نگران است که بود

رنگِ خونِ دلِ ما را که نهان می داری
بچنان در لبِ لعلِ تو عیان است که بود

زلفِ هندویِ تو کفتم که دگر ره نزنند
سالِ هارفت و بدان سیرت و سان است که بود

حافظا بازنامه خوابه چشم

که بر این چشمه همان آب روان است که بود

تفسیر فال

اسرار خویش را با دقت و احتیاط حفظ کن و هیچ نشانه‌ای از این اسرار به کسی نگو. در جستجوی چیزی با ارزش هستی که هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی اهمیت ویژه‌ای دارد. این جستجو ممکن است تو را آن‌چنان نگران کند که رشته کار و تمرکزت از دستت خارج شود. به قول شاعر بزرگ حافظ، نیت شما مانند آب روانی است که در حال رسیدن به مقصد خود است. این آب روان نماد آرامش و پیوستگی است؛ بنابراین، باید به یاد داشته باشی که با صبر و آرامش، می‌توانی به آنچه می‌خواهی دست یابی. در حقیقت، گاهی اوقات لازم است تا برای رسیدن به اهداف گران‌بها، بر چالش‌ها غلبه کنی و مسیر را با بصیرت بیشتری طی کنی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)